



مبانی مشروعیت حاکمیت در حکومت‌های الهی و غیر دینی

به گزارش شبکه اطلاع رسانی اجتهاد، مشروعیت حاکمیت، یکی از مهمترین شاخص‌های حکمفرمایی است...

به گزارش شبکه اطلاع رسانی اجتهاد، مشروعیت حاکمیت، یکی از مهمترین شاخص‌های حکمفرمایی است که در «#فلسفه سیاسی» جایگاه ویژه‌ای دارد. اثر حاضر، مشروعیت حاکمیت را در اسوه‌ترین حکومت دینی (حکومت علوی) با ملاک مشروعیت در حکومت‌های غیر دینی در مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی، به شیوه تطبیقی و مقارنه‌ای کاویده است. اقتضای اراده تکوینی خداوند بر این است که انسان موجودی انتخاب‌گر و آزاد باشد و برای بهره‌مندی انسان از کمال آزادی در انتخاب سرنوشت؛ هیچ مخلوقی را اجازه اعمال اقتدار بر عملکرد و تصمیمات او نباشد، اما در وادی انتخاب سرنوشت و حرکت به سوی سعادت واقعی، انسان به حکم عقل، هدایت‌های وحیانی را ضروری می‌داند و لازم می‌بیند که عقل و فهم خود را تنها تحت ولایت الهی قرار داده، تنها در برابر اقتدار خدای هستی‌بخش کرنش کند. با این حال، تمایل طبیعی انسان به حیات اجتماعی، او را محتاج به نظامی می‌کند که ابعاد گوناگون حیات اجتماعی او را با وضع قوانین و ایجاد محدودیت در انتخاب‌های انسان مدیریت کند. اما چنین اقتدار و سلطه‌ای در برابر مقتضای آفرینش انسان که آزادی در اراده و انتخاب و مجاز نبودن احدی جز خدای حکیم در اعمال حاکمیت است؛ همواره با چالشی جدی و تعارضی پیوسته توأم بوده است. به عقیده نیستند، حل این تعارض در گرو آن است که بتوان اقتدار فرمانروا را براساس معیارهای عقلانی، برخاسته از ولایت و اقتدار، منبعی دانست که عقل به‌طور مسلم، حکم به حقانیت ولایت او بر سرنوشت انسان می‌کند. در واقع باید حقانیت و مشروعیت حاکمیت از مبانی الهی برخوردار باشد. از بهترین راهکارها در کشف چنین مبانی، تنقیح وجه مشروعیت حاکمیت‌ها به شیوه مقارنه‌ای است.

نوشتار حاضر در راستای تبیین یکی از مهمترین شاخص‌های حاکمیت، یعنی مبانی مشروعیت حاکمیت، تدوین شده است و از آن جا که در مباحث بر مناقشه و چالشی، نظیر بحث مشروعیت حکومت، طرح مقارنه‌ای و تطبیقی مطالب برای نمایان‌تر شدن حقیقت و نظریه اصیل، راه‌گشا و ضروری است، لذا در این نوشتار «#مشروعیت حاکمیت» در اسوه‌ترین «#حکومت دینی» (حکومت علوی) با ملاک مشروعیت در حکومت‌های غیر دینی در مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و مناشی ثبوتی و اثباتی به نحو تطبیقی و مقارنه‌ای مورد تحقیق و مطالعه قرار گرفته است.

هدف از مباحث این نوشتار، اثبات این نظریه است که به‌طور اساسی مشروعیت و حقانیت با اذن الهی محقق می‌شود و حاکمیتی که به غیر از اذن او باشد، از جمله حاکمیت منبعث از آرای مردم، مردود و مصداق حکومت نامشروع خواهد بود.

در این راستا به مقارنه نکات تبیین و تمایز دو ایده حاکمیت در حکومت‌های غیر دینی (مردم‌سالار) و حکومت علوی به عنوان شاخصی برجسته در شناسایی مبانی مشروعیت دینی، از حیث مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی و نیز از جهت مناشی ثبوتی و اثباتی حاکمیت می‌پردازد تا علاوه بر تبیین موارد نقد در مبانی و مناشی مشروعیت حکومت غیر دینی، ثابت شود که حقانیت و مشروعیت اصیل و راستین تنها در سایه‌سار «#اذن الهی» قابل تحقق است؛ امری که در حکومت امیر مومنان علی(ع) به نحو بارزی به منصف ظهور رسید و نقش آرای مردم در آن تنها در تحقق عینی و اثباتی حاکمیت است و نه در تحقق حقیقی و ثبوتی آن.

از جمله بحث‌های مهم این نوشتار، تثبیت ماموریت الهی انبیا در برپایی حکومتی الهی و دینی و تلاش برای سامان دادن به حیات اجتماعی بشر است، تلاشی که در راستای رسالت اصلی و بالذات آنان یعنی هدایت مردم به سوی الله و ایصال به سعادت ابدی و پایدار از نقش و اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. واضح است که حکومت مورد تایید و تاسیس انبیا، حائز حقانیت و مشروعیت بوده و بنا نهاده بر مبنای غلبه و جور نیست؛ اما تنقیح این حقانیت و چگونگی آن، در توجه به مبنا و منشا اقتدار احراز خواهد شد. برای احراز این منظور، لازم است حکومتی شاخص در عرصه حاکمیت دینی که انطباق آن با مبانی وحیانی مورد تایید و اذعان متفکران بوده و نیز متن جریان‌ها، موضع‌گیری‌ها و مشی رهبری آن شاهدی گویا در الهی بودن آن است، مورد تحقیق و مطالعه قرار گیرد. این حکومت شاخص دینی جز حکومت علوی نمی‌تواند باشد؛ حکومتی که بر مبانی مترقی اصول و ارزش‌های دینی قوام یافته و ترسیم‌گر الگویی به تمام معنا از يك حکومت دینی است و بهره‌مند از بنیادهایی نشأت یافته از حکومت الهی حضرت رسول اکرم(ص) است.

مطالعه حکومت علوي از این رو و نیز از آن جهت که از دیرباز از نگاه‌های مختلف، داوریهایی متفاوتی به ویژه از جهت مشروعیت‌یابی آن انجام گرفته است، اهمیت ویژه‌ای دارد تا در نتیجه این مطالعه و ارزیابی، روشن شود که آیا مبنای مشروعیت در چنین حکومتی همان است که امروزه به خصوص در غرب به عنوان تنهاترین الگوی ترسیم‌گر حقانیت، یعنی مردم‌سالاری مطرح می‌شود یا از مبنای متمایز و ممتاز برخوردار است که بتوان اذعان کرد: نخست، حقانیت در حکومت مردم‌سالار منطبق با الگوی حکومت دینی نیست و دوم، حقانیتی جداگانه برای حکومت دینی تعریف و تبیین کرد.

از آن جا که نوشتار حاضر، پژوهشی برای نمایاندن چالش‌های نظریات گوناگون درباره مسائل اساسی حاکمیت و مشروعیت در عرصه فلسفه سیاست، و ارزیابی و #171;حکومت‌های غیر دینی» رایج در جهان کنونی و نیز اعلام این که مشروعیت حقیقی صرفاً در استمرار ولایت الهی احراز می‌شود، لازم است اقوال و نظریه‌های مختلف، شواهد تاریخی و نموده‌های عینی الگوهای مدیریتی در نظام‌های سیاسی مطرح در این مورد تحقیق شود. از این رو روش تحقیق کتابخانه‌ای و با بی‌بهره‌جویی از منابع معتبر و قابل قبول برای بیان انظار، شواهد تاریخی و تحلیل وقایع است.

اثر حاضر در دو بخش، مقارنه مشروعیت حاکمیت را مورد بررسی قرار داده است که #171;مفاهیم و کلیات» و #171;مباحث تطبیقی» عناوین بخش‌های این کتابند.

منبع: خبرگزاری ایبنا